

سؤال خود را می گوید یا من بگویم که سوال تو از جهت تنگی کت
یا رسول الله تو خبر ده از سوال من رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که
سؤال تو از نماز روز و روزه است تنگی کت سوکنه بان خدا را که ترا
براستی بخلفی فرستاده است که من نیامده ام الا از برای آنکه ترا
سؤال کنم ازینها پس رسول صلی الله علیه و سلم چنانچه می بایست از
سؤالات وی جواب گفت بعد از آن انصاری پیش آمد رسول صلی
الله علیه و سلم فرمود که تو خدا را سؤال خود فرستی کنی یا من خبر کنم
انصاری گفت یا رسول الله تو خبر کن فرمود که آمده تا از حج و روزه
عز و و حلق شعر و طواف سؤال کنی انصاری گفت سوکنه بان صلی
که محمود است و است که من نیامده بودم الا از برای سؤال ازینها رسول
صلی الله علیه و سلم جواب وی نیز گفت **وازان جمله آنست**
که عارین یا بر رضی الله عنه گفته است که یا رسول صلی الله علیه و سلم
در سفری بودیم چون در سفری فرود آمدیم نزد دلو و مشک خود را
گرفتم تا آب بیارم رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که ترا کسی از آب
مانع خواهد بود چون بهر جا رسیدیم مردی سیاه آمد و گفت و
که امروز یک دلو آب ازین جا خواهد خواستی گرفت و مرا گرفت و من او را
بگرفتم و او را بر زمین زدم و شک بیخی روی و بر او شکتم بعد
مشک خود را پر کردم و پیش رسول صلی الله علیه و سلم آدم فرمود که
بیچ کس ترا بر سر آب پیش آمد قهر را با من کنم فرمود که بیچ دانی که

آدم

آن چو

آن چو کس بود که من فرمود که شیطان بود و از آنجا آنست
که و ابنته بن معبد رضی الله عنه گفته است که من پیش رسول صلی الله
علیه و سلم آدم وی حاکم گویج چیز را از من دیدی گفتارم که از وی
سؤال کنم نزدیک وی جاعلی بودند رفتم تا از ایشان بگذرم گفتند
دور باش ای و ابنته از رسول خدای سبحان گفتیم مرا بگذارید که بروی
نزدیک شوم که وی دو سترین کسی است بسوی من رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود آدن یا و ابنته آدن یا و ابنته نزدیک شدم چنانکه
زانی من برانوی ای و سو فرمود که یا و ابنته من ترا خبر کنم از آنچه
آمده تا از من پرسیدی یا خدا سؤال میکنی کت یا رسول الله تو خبر کنی مرا
فرمود که آمده تا پرسیدی مرا از نیکی و بدی بعد از آن گفتن مبارک
بر منم نزد و کت یا و ابنته یا و ابنته استفتت فقلت استفتت
تفتک الیه یا اطان الیه القلب و اطانت الیه النفس و الا انم
ما جاءک فی القلب و ترود فی الصدروان اقل کان من و افقوک
وازان جمله آنست که ابوهریره رضی الله عنه گفته است که در
عهد رسول صلی الله علیه و سلم دو مرد بودند یکی از ایشان مجلسی را
صلی الله علیه و سلم کم معارف کردی و دیگری کم حاضر شدی و از وی
عمل بسیار نیز مشاهده نیتادی یک روز آن مرد که از مجلس رسول
صلی الله علیه و سلم کم معارف کردی پرسید که یا رسول الله قیامت کی
تأم خواهد شد فرمود که از برای وی چه آمده که ده که کت بت صلی

Copyrighted by University